

که در این میان باید از مددکاری و مددکاران نام برد.

این مقاله در این صدد است که با:

۱ - ارائه زمینه‌های فعالیت مددکاری در آموزش و پرورش و تأکید بر لزوم توسعه آن،

۲ - توصیف وضعیت کنونی مددکاری در آموزش و پرورش،

۳ - بیان مشکلات مسأله مددکاری در آموزش و پرورش،

۴ - ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادات لازم برای توسعه مددکاری در آموزش و پرورش، توجه مسئولین آموزش و پرورش، مددکاران اجتماعی و دست‌اندرکاران مسائل تربیتی آموزش و پرورش را بدین مهم جلب کند که:

۱ - آیا الزاماً مددکاران اجتماعی باید زیر نظر مشاوران و در چارچوب برنامه‌ریزی آنان انجام وظیفه کنند؟

۲ - آیا تنها دانش یا حرفه‌ای که می‌تواند عهده‌دار رسیدگی به مسائل و مشکلات تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان باشد و موجبات ارتقای آنان را فراهم آورد، «مشاوره» است؟

۳ - آیا انتخاب دانش مشاوره برای رسیدگی به مسائل دانش‌آموزان در وزارت آموزش و پرورش، اصولاً به معنای برتری آن نسبت به مددکاری اجتماعی است؟

۴ - آیا اساساً اگر مسئولین پیشین وزارت آموزش و پرورش (در سالهای حدود ۱۳۴۰) به جای انتخاب «راهنمایی و مشاوره» برای رسیدگی به مسائل دانش‌آموزان، دانش یا حرفه «مددکاری اجتماعی» را برمی‌گزیدند و نسبت به تربیت مددکاران و توسعه حرفه آنان اقدام می‌کردند، بهتر نبود و اثرات بهتری حاصل نمی‌شد و آیا اصولاً این حرفه دارای ظرفیت، اثرگذاری و قدرت عمل بیشتری نیست؟



اهمیت و ضرورت توسعه مددکاری اجتماعی در آموزش و پرورش (۲)

قاسم کریمی

براساس تعاریف موجود از دانش مددکاری اجتماعی، مفاهیم و اهداف آن؛ و با توجه به مسائل متعدد دانش‌آموزان در مدارس به نظر می‌رسد که توسعه آن در آموزش و پرورش نقش بسزایی در رفع و کاهش مشکلات دانش‌آموزان و کارکنان آموزش و پرورش ایفا می‌کند.

وزارت آموزش و پرورش از سالها پیش، با درک واقعی از مسائل و مشکلات دانش‌آموزان درصدد برآمد تا با ایجاد سیستم رسیدگی کننده، از فشار این مشکلات

بکاهد. به همین منظور بعد از سالهای ۱۳۴۰ اقدام به اجرای برنامه «راهنمایی و مشاوره» کرد. این اقدام، منجر به تربیت حدود دو هزار نفر به عنوان مشاور مدارس گردید که این گروه، تا سال ۱۳۵۹ در مدارس اشتغال بکار داشتند. صرف نظر از اینکه این برنامه در سال یاد شده ملغی اعلام شد اما عملاً «هسته‌های مشاوره» در استانها و مناطق کشور با کمک «مربیان امور تربیتی» عهده‌دار همان وظایف شدند. هسته‌های مشاوره متشکل از وظایف و اعضای است

۵ - هم اکنون زمینه های عملکرد مددکاری اجتماعی در آموزش و پرورش چیست و آیا میدان عمل برای توسعه آن وجود دارد؟

بنابراین مشخص است که مقاله حاضر بیشترین تأکید خود را بر روی لزوم توسعه و گسترش مددکاری اجتماعی مصروف می دارد و در این زمینه راهگشایی می نماید ولی قابل توجه است که:

اولاً - تلاش بر آن نیست تا مستقیماً به سؤالات پنجگانه مطرح شده پاسخ داده شود و نیازی هم بدان احساس نمی شود.

ثالثاً - در صدد مقایسه بین مددکاری و مشاوره نیستیم تا احیاناً یکی را بر دیگری ترجیح دهیم. و علت مطرح شدن مسأله مشاوره در بحث مددکاری اجتماعی در آموزش و پرورش این است که در پاره ای موارد دارای اشتراک عملکرد هستند.

بخش اول:

زمینه های ضروری برای عملکرد مددکاری در آموزش و پرورش

مطالعات و آمارهای موجود در وزارت آموزش و پرورش حاکی از این است که گروه های متعددی از دانش آموزان به دلیل برخورداری از انواع مشکلات و ناهنجاری های رفتاری، به خدمات مددکاری نیازمند هستند و این در حالی است که این خدمات، به آنان عرضه نمی شود و اصولاً هیچ حرفه یا دانش دیگری نمی تواند جایگزین این خدمت رسانی گردد. آمارها، گزارش ها و پژوهش های وزارت آموزش و پرورش نشان می دهد که گروه های مشکل دار زیر، در میان دانش آموزان از فراوانی قابل ملاحظه برخوردارند:

۱ - دانش آموزان ترک تحصیل کننده و دارای مشکلات تحصیلی

در میان دانش آموزانی که به نحوی دچار مشکلات خاص تحصیلی از قبیل: مردودی، تقلب در امتحان، عدم توانایی یادگیری، افت تحصیلی و... هستند، کسانی هم وجود دارند که بدون اینکه دوره تحصیلی خاصی را به پایان برسانند و یا حتی به یادگیری اولیه دست یابند، از ادامه تحصیل امتناع می ورزند و ترک تحصیل می کنند. از جمله دلایل و عوامل مهمی که در این پدیده نقش دارند می توان از موارد ذیل یاد کرد:

- فقر مالی خانواده
- احساس پوچی در تحصیل و عدم دلگرمی نسبت به آینده
- ناتوانی های یادگیری
- عدم جذابیت و کشش کافی در مدرسه
- ترغیب خانواده برای اشتغال فرزند
- وجود پاره ای تعصبات در مورد دختران
- جاذبه محیط های اشتغال و کارهای درآمدزا
- وجود دوستان و همالان ترک تحصیل کرده

اینگونه دانش آموزان که دچار «افت تحصیلی» و «شکست تحصیلی» می شوند، آموزش و پرورش کشور را رنج می دهند. البته مشکل، مشکلی است که بنابر تحقیقات، به عنوان یک معضل جهانی در آموزش و پرورش کشورهای مطرح است؛ به نحوی که: «تعداد تکرار کنندگان سالهای تحصیلی در دوره ابتدایی در جهان از ۱۵/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ به ۱۸/۴ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ یعنی بالغ بر ۱۸ درصد افزایش یافته است... و در خصوص ترک تحصیل کنندگان، اگرچه میزان آن بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کاهش یافته، معذالک این میزان تا قبل از سال چهارم ابتدایی چشمگیر است. جدول ذیل این

وضعیت را به خوبی نشان می دهد.

مناطق	سال ۱۹۷۰	سال ۱۹۸۰
آفریقا	۲۶٪	۲۲٪
آمریکای لاتین و جزایر کارائیب	۳۰٪	۲۷٪
آسیا وقیانوسه	۱۴٪	۱۰٪
اروپا	۱٪	۴٪

بدون شک این ضایعات تحصیلی دارای عوارض متعدد روانی و عاطفی هستند که اگر قرار باشد خسارت های ناشی این ضایعات بررسی شود، قطعاً این زمینه نیز باید ملحوظ باشد. «تأثیر روانی افت تحصیلی به صورتهای عدم رضایت خاطر و ناخرسندی و نگرانی دانش آموزان متجلی می شود. عوارض روحی یادشده، به شکست بعدی فرد کمک می کند و شکست متجدد، تشویش خاطر و اضطراب او را دامن می زند و در نتیجه، فرد در دور باطل و معیوبی گرفتار می آید... به گونه ای که اگر چاره ای برای حل آن اندیشیده نشود، بزهکاری با چهره پرمخاطره اش از راه خواهد رسید.

اهمیت این مشکل در کشور، آنچنان است که علاوه بر خسارتهای روانی و روحی، خسارتهای مالی آن نیز در خود توجه می باشد؛ چرا که تعداد این نوع دانش آموزان بسیار زیاد است. برای مثال: «نتایج بررسی میزان قبولی و مردودی دانش آموزان در سال تحصیلی ۶۳ - ۶۲ در کل کشور، رقمی حدوداً معادل ۱۳/۴ درصد مردودی در مقطع ابتدایی، ۲۶ درصد در مقطع راهنمایی و ۱۶ درصد به مقطع متوسطه عمومی و ۲۲/۳ درصد در مقطع فنی و ۱۸/۲۸ درصد در آموزش و پرورش بازرگانی و حرفه ای را نشان می دهد. در برنامه پنجساله اول مبلغ ۲۸۱ میلیارد ریال در آموزش ابتدایی، ۱۵۷ میلیارد ریال در مقطع راهنمایی و ۷۹ میلیارد ریال در مقطع آموزش متوسطه یعنی جمعاً ۵۱۷ میلیارد ریال صرف دانش آموزانی شد

که پایه‌های تحصیلی را تکرار می‌کنند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که چنانچه بطور متوسطه برای آموزش مجدد هر ۳۰ دانش‌آموز مردود یک کلاس در نظر گرفته شود، برای ۱/۴۲۱/۳۳۰ دانش‌آموز مردود کشور در کلیه مقاطع تحصیلی باید ۴۷۳۷۵ کلاس مجدداً تشکیل گردد.^۵»

اهمیت این خسارتها چنان است که پاره‌ای از تحقیقات، به نتایجی شگفت‌انگیز دست یافته‌اند. یک محاسبه علمی بر روی خسارت‌های خانواده، دوست و خود دانش‌آموز که عمر خود را هدر می‌دهد، به این نتیجه می‌رسد که: «دوست و خانواده‌های دانش‌آموزانی که در سال تحصیلی ۶۵/۶۶ با شکست تحصیلی روبرو شده‌اند متحمل اتلاف هزینه‌ای معادل ۲۰۸ میلیارد ریال شده‌اند و علاوه بر آن دانش‌آموزان مردود نیز خود معادل ۴۱۱ میلیارد ریال به صورت هزینه فرصت از دست رفته متضرر گردیده‌اند. بنابراین جامعه ایران برای چنین شکستی با اتلاف منابع مالی معادل ۶۱۹ میلیارد ریال مواجه شده است. این رقم معادل ۱/۲۶ برابر ۴۸۹ میلیارد ریالی است که در سال ۱۳۶۵ صرف اداره مؤسسات آموزشی کشور گردیده است.»

اینک ملاحظه می‌شود که آموزش و پرورش، علاوه بر دانش‌آموزانی که ترک تحصیل می‌کنند، با انواع دیگری از دانش‌آموزان مواجه است که هر یک به نحوی دچار مشکل با عقب‌ماندگی درسی هستند. علل و دلایل این مشکلات و عقب‌ماندگی‌های درسی از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است:

«برت (Burt) روانشناس انگلیسی، عوامل زیر را علتهای عقب‌ماندگی درسی می‌داند:

- ۱ - کمبود بهداشت عمومی
- ۲ - ضعف بینایی، شنوایی و سخن‌گویی

- ۳ - ضعف هوش عمومی
- ۴ - کمبود مالی در خانه
- ۵ - نبودن یا کمبود تعادل عاطفی
- ۶ - پایین بودن سطح فرهنگی خانواده
- ۷ - مواظبت نکردن به حضور کودک در مدرسه^۵»

از دیدگاهی دیگر، عوامل مؤثر در عقب‌ماندگی درسی به سه دسته اساسی تقسیم شده است:

۱ - **علل خانوادگی - اجتماعی؛ فقر** مالی، پایین بودن سطح فرهنگی خانواده، اختلافات و پریشانیهای خانوادگی، چگونگی ارتباط خواهران و برادران در خانه و...

۲ - **علل مدرسه‌ای؛ غیبت از مدرسه و عدم** مراقبت لازم، نادرستی روش تدریس معلمان، روح عمومی مدرسه و چگونگی نظم و انضباط در آن و...

۳ - **علل شخصی؛ علل بدنی مثل** بهم‌خوردگی رشد و تکامل بدنی، معایب و نقایص حسی، و اضطرابهای حرکتی. و نیز علل ذهنی مثل نقص هوشی و صفات اخلاقی^۶

با توجه به این مطالعات، پرواضح است که شیوه‌ها و راهبردهای متعددی برای این مشکل وجود دارد ولی بدون شک بخش عمده‌ای از آن متوجه تماس مستقیم با خود دانش‌آموز و خانواده او می‌باشد. بویژه در خصوص دانش‌آموزانی که دچار ترک تحصیل می‌شوند و اصولاً آموزش و پرورش کنونی در مقابل آنها پیگیری و عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد و یا دانش‌آموزانی که ریشه اصلی ترک تحصیل بافت تحصیلی آنان در مسائل فردی و خانوادگی ایشان قرار دارد، نیازمند خدمات مددکاری هستند. مددکاران در این زمینه می‌توانند دست به اقداماتی بزنند که متأسفانه هم‌اکنون آموزش و پرورش اقدام شایسته‌ای در آن خصوص ندارد:

- ۱ - دعوت به تحصیل مجدد دانش‌آموز ترک تحصیل‌کننده
- ۲ - معرفی دانش‌آموز به سازمانها و دستگاههای حمایتی جهت تمهید تحصیل

- مجدد وی
- ۳ - کمک مالی به دانش‌آموز و خانواده وی
- ۴ - ارتباط مستمر با دانش‌آموز در شرایط ترک تحصیل و...
- ۵ - پیگیری برای اشتغال بکار تعدادی از دانش‌آموزان در حین تحصیل.

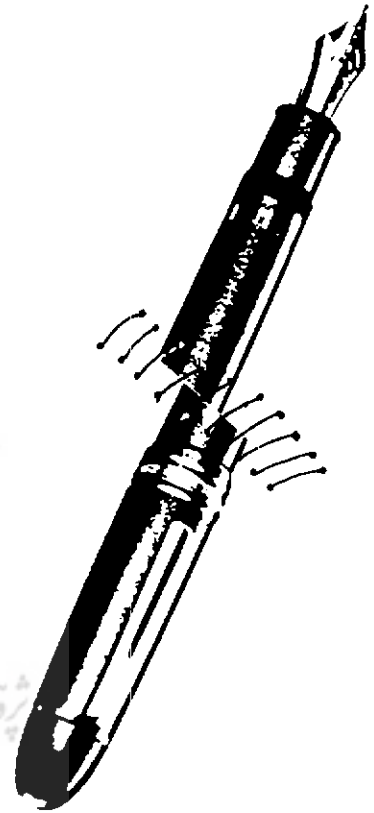


۲ - دانش‌آموزان دارای مشکلات عاطفی، روانی و رفتاری

وزارت آموزش و پرورش با طیف وسیعی از اختلالات کنشی Functioning Disorders و ناهنجاری Ubnormal در میان دانش‌آموزان مواجه است و هر ساله گزارش‌های «هسته‌های مشاوره» حاکی از فراوانی این نوع مشکلات می‌باشد.

این مشکلات، معطوف به زمینه‌های گوناگون و متعددی است همچون اختلالهای خوابیدن، بی‌اختیاری ادرار، ترس و هراس، اضطراب، گوشه‌گیری، افسردگی،

روان‌پریشی، پیش‌فعالی، پرخاشگری، ناسازگاری، بزهکاری، دزدی، دروغ‌گویی، اعتیاد، بدرفتاری، حسادت، بی‌قراری، زدوخورد، نافرمانی، منفی‌بافی، قلدری، بدزبانی، بی‌توجهی، خودخواهی، و...
اختلالات رفتاری طبق تعریف D.S.M III به این شکل معرفی شده



است: «ویژگی اصلی تشخیص اختلال کرداری، داشتن الگوی کرداری تکراری و پیوسته، تجاوز به حقوق اولیه دیگران با تخطی از معیارها و ضوابط متناسب با سن است.»^۱

اختلالات رفتاری دارای طبقه‌بندیهای مختلفی که ذیلاً جهت آشنایی بیشتر با این مقوله، یکی از طبقه‌بندیها مورد توجه قرار می‌گیرد. انواع این اختلالات و مشکلات بدین شرح است:^۱

۱ - اختلالات پسادگسیسری (Learning Disorders)

- مشکلات در سخن گفتن

۱ - مشکلات در نوشتن

۲ - مشکلات در تواناییهای بینایی و شنوایی

۳ - مشکلات در خواندن

۴ - ناتوانی در ریاضیات

۵ - تیک یا حرکات زائد

۶ - تیکهای مربوط به چهره

۷ - تیکهای گردن

۸ - تیکهای مربوط به دست و پا

۹ - دروغ‌گویی

۱۰ - دروغ‌گویی خاص کودکان

۱۱ - دروغ‌گویی عادی یا کاذب

۱۲ - دزدی

۱۳ - فرار

۱۴ - ترس مرضی Phobia

۱۵ - ترس مرضی از مکانهای باز

۱۶ - ترس مرضی اجتماعی

۱۷ - ترس مرضی ساده

۱۸ - اختلالات جنسی

۱۹ - خود ارضایی

۲۰ - ارتباط نامشروع با جنس مخالف

۲۱ - اختلال هویت جنسی Gender Identity

۲۲ - شب‌اداری

۲۳ - انزواطلبی Unsocial

۲۴ - کناره‌گیری Social Withdrawal

۲۵ - لالی انتخابی Mutesim

۲۶ - اختلال اجتنابی دوری‌گزین

۲۷ - اوتیسم Autism

۲۸ - پرخاشگری Agression

دلایل و عوامل مؤثر بر پیدایش این اختلالات، می‌تواند برای مددکاران اجتماعی قابل ملاحظه باشد. تعدادی از این عوامل به عنوان عوامل بوجود آورنده، تعدادی دیگر به عنوان عوامل مستعد کننده و تعدادی هم به عنوان عوامل آشکار ساز معرفی شده‌اند مجموعه این عوامل بدین شرح مطرح شده‌اند:^۱

۱ - عوامل ژنتیکی

۲ - عوامل جسمانی؛ مثل ضربه‌های

مغزی، عفونت‌های مغز، اختلال در عملکرد غدد و بیماری‌های سخت.

۳ - عوامل خانوادگی؛ که عمده آنها مربوط است به:

- فضای روانی و عاطفی

- الگوهای ناسالم خانوادگی

- نظم و انضباط معیوب

- فقدان والدین

- ترتیب ولادت

- عدم ثبات قوانین و معیارهای اخلاقی

۴ - عوامل اجتماعی

- طبقه اجتماعی

- مسکن و وضع اقتصادی

- گروه همسالان

۵ - عوامل روانی

- تعارض Conflict

- ناکامی Frustration

- استرس یا فشار Stress

- تصویر خود و احساس اندیش

Selfsteem

از جمله مهمترین این عوامل، مواردی است که مربوط به خانواده و نظام خانوادگی می‌شود، به نحوی که گفته شده است: «توافق همگانی وجود دارد که خانواده در پیدایش اختلالهای کردار تأثیر مهمی دارد. درباره خانواده‌های بزهکاران و نیز خانواده‌های کودکان مبتلا به اختلالات کرداری، جرمها و بزهکاریهای بسیاری گزارش شده است (بکر، پیترسون، هلمر، شومیکرو و کوای ۱۹۵۹؛ گلونک ۱۹۵۰؛ جانسون و لوبتیز ۱۹۷۴). بدین ترتیب به نظر می‌آید که اختلالات کرداری از نظام خانوادگی ناصحیح سرچشمه می‌گیرد.»^۱ «خانواده نظام پیچیده‌ای است که به کودک هویت یک بیمار را می‌دهد. مجموعه عوارضی که کودک از خود نشان می‌دهد نیز در برقراری این نظام نقش دارد. برای درمان کودک از چنین دیدگاهی باید

بیشتر مسأله خانواده و شیوه‌های ارتباط اعضا مورد توجه قرار گیرد. مینوچین (Minuchin) مدل زیررابطه عنوان مدل بیماری روان‌تنی و چشم اندازی از نظام‌های خانواده‌ای را نشان می‌دهد^{۱۲}:

حال با توجه به:

۱- گستردگی انواع اختلالات و مشکلات رفتاری.

۲- فراوانی مشکلات و اختلالات رفتار دانش‌آموزان براساس گزارش هسته‌های مشاوره آموزش و پرورش با تأکید بر مواردی چون: انزوای اجتماعی، پرخاشگری، افسردگی و اختلالات جنسی^{۱۳}.

۳- نقش عمده نظام خانوادگی، عوامل روانی و اجتماعی در بروز و پیدایش اختلالات رفتاری.

۴- حیطة عملکرد یا وظایف مددکاران اجتماعی.

مددکاران اجتماعی قادرند در زمینه رفع این مشکلات، ایفاگر نقش مهم و بسزایی داشته باشند. قسابل اذعان است که روانشناسان، مربیان و مشاوران، هر یک به فراخور تخصص و حیطة وظایف خود به انجام خدماتی مبادرت می‌ورزند ولی در این میان، مددکاران از جایگاهی ویژه و بارزی برای رسیدگی به آن مشکلات برخوردارند. به عبارت دیگر، همه توان عناصر متخصص مدرسه در این زمینه، مانند روانشناسان، مربی و مشاوره کار افتد، باز هم این مددکاران هستند که می‌توانند عهده‌دار خدمات اصلی و اساسی باشند؛ چرا که باید:

۱- مسائل خانوادگی و نظام خانوادگی این دانش‌آموزان از نزدیک مشاهده و بررسی شود.

۲- در نظام خانوادگی این دانش‌آموزان تغییراتی داده شود، ارتباط اعضای خانواده تصحیح شود و ارتباط مستمر

و از نزدیک با آن اعضا برقرار گردد.

۳- خود دانش‌آموز و پاره‌ای افراد خانواده به مراکز حمایتی معرفی شوند و چگونگی تعامل آنان؛ آن مرکز و بالعکس بطور مستمر زیر نظر باشد.

۴- در مورد دانش‌آموز، نوعی توان بخشی اعمال گردد.

۵- در زمینه شرایط و روابط خارج از مدرسه دانش‌آموز تغییراتی ایجاد گردد.

۶- عوامل بیرونی و خارج از مدرسه مؤثر بر اختلالات، تحت کنترل قرار گیرد.

۷- پاره‌ای اقدامات مائی و کمک رسانی مادی در مورد دانش‌آموز و خانواده‌اش اعمال گردد.

۸- روابط عاطفی بیرون از مدرسه با دانش‌آموز تصحیح گردد.

۹- توجه مراکز، نهادها، سازمانها و نهادهای ذی ربط به این نوع مشکلات جلب شود.

۱۰- در خصوص پاره‌ای اختلالات، چگونگی پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموز تحت کنترل قرار گیرد.

۱۱- هماهنگی لازم بین سیاستهای تربیتی و درمانی مدرسه با مراکز و افرادی که به نحوی دانش‌آموز با آنها مرتبط است برقرار گردد.

۱۲- نسبت به کارگماری تعدادی از مبتلایان اقدام شود.

۱۳- نظارت بر چگونگی عملکرد دانش‌آموزان که برای مدتی به علل انحرافات و بزهکاریها از خانواده و مدرسه جدا می‌شوند و در مراکز مخصوص نگهداری می‌گردند صورت گیرد پس از طی دوره مربوط، نسبت به رجوع مجدد آنان به مدرسه پیگیری شود.

۱۴- در دیدگاه افراد خارج از مدرسه که مرتبط با دانش‌آموز بهبود یافته هستند، تصحیح لازم صورت گیرد.

اینها عبارت از اقدامات مهم، ضروری و کارسازی هستند که دانش‌مددکاری و مددکاران اجتماعی^{۱۴} عهده آن بر می‌آیند. زیرا همانطور که ملاحظه شد، بسیاری از اختلالات، ریشه در عوامل بیرونی دانش‌آموز دارد و درست، به همین خاطر، شیوه‌های درمان و اصلاح آن دانش‌آموزان نیز در خارج از مدرسه و خارج از مسائل فردی وی صورت می‌پذیرد. اینجاست که تخصص مددکاری اجتماعی می‌تواند نقش آفرینی کند

● پی‌نوشتها

- ۱- حسینی، سید احمد. «راهنمای مشاوره».
- ۲- «فصلنامه تعلیم و تربیت». شماره ۷ و ۸ ص ۲۸
- ۳- شرفی. محمدرضا «دنیای نوجوان». انتشارات تربیت. ص ۲۹۷
- ۴- رئیس دانا، فرخ لقا. «فصلنامه تعلیم و تربیت». شماره ۶. ص ۹۹
- ۵- نفیسی. عبدالحسین. «فصلنامه تعلیم و تربیت» شماره ۱۸. ص ۵۶
- ۶- شعاری نژاد، علی اکبر. «روانشناسی یادگیری». ص ۳۸۷
- ۷- همان کتاب. ص ۳۸۷
- ۸- نلسون، رتیاویکس. منسی طوسی، محمدتقی. «اختلالات رفتاری کودکان»، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۵۰۴
- ۹- همان کتاب، ص ۵۰۵
- ۱۰- کرمی نوری، رضا. «روانشناسی تربیتی»، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، ص ۲۲۱
- ۱۱- همان کتاب، ص ۲۰۹
- ۱۲- اختلالات رفتاری کودکان، ص ۵۱۰
- ۱۳- همان کتاب، ص ۱۴۸